

## طرح مقدمات مطالعات خلیج فارس

در گفت و گو با:

دکتر محمدباقر وثوقی؛ عضو هیأت علمی گروه تاریخ، دانشگاه تهران



کتاب ماه: بسم الله الرحمن الرحيم. به شکرانه خدا. اولین شماره سال ۱۳۹۰ کتاب ماه تاریخ و جغرافیا به «مطالعات خلیج فارس» اختصاص یافته است. موضوع صحبت امروز ما پیشینه مطالعات خلیج فارس و نیز تلاش برای رسیدن به یک طرح مطالعاتی در این حوزه است. طبیعی است که ابتدا باید مسأله را تعریف کنیم. به نظر شما منظور از مطالعات خلیج فارس چیست و چه حوزه‌هایی را در بر می‌گیرد؟

دکتر وثوقی: به نام خدا. ابتدا لازم می‌دانم از دست‌اندرکاران کتاب ماه تشکر کنم که این فرصت را در اختیار بنده گذاشتند. در پاسخ به پرسش شما باید عرض کنم، پیش از این که به تعریفی مشخصی از مطالعات خلیج فارس برسیم، مقدماتاً باید گفت که خلیج فارس یک نام است برای یک منطقه و این نام در ادوار مختلف تاریخی یک محدوده‌ی ثابت نداشته و در هر دوره شامل مناطق گوناگونی بوده است.

مسأله‌ی دیگر این است که در «مطالعات خلیج فارس» اساس تحقیق بر این اصل استوار است که منطقه‌ی خلیج فارس دارای وحدت فرهنگی و جغرافیایی مشخص است. یعنی وقتی از خلیج فارس نام می‌بریم، نقشه و منطقه‌ای در ذهن ما نقش می‌بندد. بنابراین خلیج فارس یک تعریف مشخص دارد.

اما این جغرافیای مشخص و واحد، تنها به وحدت آب و هوایی محدود نمی‌شود، بلکه نوعی وحدت فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی نیز در آن شاخص است. بنابراین باید در نظر داشته باشیم که منطقه‌ی خلیج فارس دارای یک وحدت جغرافیایی است و بر اساس آن می‌توان از تاریخ یا جغرافیای خلیج فارس و یا گرایش به نام «مطالعات خلیج فارس» یاد کرد. اما اولین مطالعات منطقه‌ای با نام مشخص «خلیج فارس» از چه زمانی شروع شد، چه ویژگی‌هایی داشته و چه تأثیراتی بر مطالعات بعدی داشته است؟ این مطالعات در هر دوره تعریف خاص دارد و لزوماً منطبق بر مختصات دوره‌ی بعدی نیست و در هر دوره‌ای حیطه جغرافیایی و فرهنگی خاص خود را دارد.

در این بررسی باید به چند مسأله‌ی مهم توجه داشت: اول این که آیا می‌توان پیشینه‌ی مطالعات خلیج فارس را دوره‌بندی نمود؟ و دوم این که محصول هر دوره از مطالعات (اعم از کتاب و نقشه و نوشته) چه بوده است؟

و سپس به آسیب‌شناسی این مطالعات بپردازیم.

کتاب ماه: بسیاری تصور می‌کنند که مطالعات خلیج فارس از زمانی شروع شده است که مثلاً برخی به رواج جعلیات روی می‌آورند؛ اما به نظر می‌رسد بسیار پیش‌تر از این، در کتب جغرافی‌دانان مسلمان و حتی در دنیای کهن، در نوشته‌های جغرافی‌دانان یونانی این بحث به چشم می‌خورد. از چه دورانی این مطالعات شروع شد و چه تقسیم‌بندی‌هایی برای آن می‌توان در نظر گرفت؟

**دکتر وثوقی:** به نظر می‌رسد اولین مطالعات متمرکز بر خلیج فارس، با توجه به تعریفی که پیش از این انجام شد، در جهان اسلام و در حوزه‌ی جغرافیای تاریخی صورت گرفته است. می‌دانیم که حوزه دانش جغرافیا پس از اسلام گسترش فراوانی یافت و دستاوردهای بی‌شماری هم برای جهان اسلام و هم برای کل بشریت به دنبال آورد، به ویژه حوزه‌ای از جغرافیا، به نام جغرافیای توصیفی. و این دانش در کتاب‌هایی انعکاس یافته است که نام آنها عموماً «مسالک و ممالک»، «صورة الارض»، «صورالاقالیم» و مانند آن است و از طریق این مطالعات، در واقع به شناسایی مناطق مختلف زمین می‌پردازد. می‌دانیم که جغرافیای دوره‌ی اسلامی میراث‌دار مطالعات پیشین خود در ایران و یونان بوده است. البته چنین نیست که جغرافیای دوره‌ی اسلامی، تماماً از این دوره‌ی کهن برگرفته شده باشد، بلکه علمای اسلامی اطلاعات و داده‌ها و یافته‌های جدید را نیز به آن اضافه کردند و به این ترتیب است که در دوران شکوفایی علم و تمدن اسلامی، مکتبی به نام «مکتب جغرافیای اسلامی» داریم، که مکتبی منحصر به همین دوره است. در کتب جغرافیایی این دوره، مباحث از حوزه‌ی جغرافیا از موضوع ارتباط انسان و زمین فراتر رفته و جغرافیای توصیفی، فرهنگی و اقتصادی نیز پدیدار شد. کتب جغرافیایی این دوره نیز ساختار کاملاً مشخص و منسجمی دارند و ما وقتی از کتب «مسالک و ممالک» و یا جغرافی‌دانانی چون اصطخری، جیهانی، بیرونی، ابن حوقل، ابن خردادبه، مسعودی و... دیگران سخن می‌گوییم، صحبت از یک مکتب مشخص می‌کنیم و می‌دانیم کتاب با چه مباحثی شروع می‌شود: مانند توصیف زمین در فضا، و منطقه و شهر و... و سپس به فرهنگ و اقتصاد و مردم منطقه می‌پردازند. این حوزه یکی از دستاوردهای مهم جهان اسلام است و جهان اسلام در حوزه‌ی جغرافیای توصیفی دارای یک مکتب است. کسانی مانند ابن خردادبه، جیهانی، اصطخری، مقدسی و... در این مکتب جای می‌گیرند. این افراد سنتی به وجود آوردند، که اعقاب ایشان از آن بهره گرفتند و این سنت بخشی از میراث نه تنها ایران و اسلام، بلکه همه‌ی دنیا در حوزه‌ی جغرافیای تاریخی است.

این دوره‌ی درخشان جهان اسلام را به عنوان اولین دوره‌ی مطالعات خلیج فارس در نظر می‌گیریم. به این علت که برای اولین بار جغرافی‌دانان مسلمان، خلیج فارس را به عنوان یک منطقه‌ی واحد جغرافیایی در نظر گرفتند و فصلی برای کتب خود با نام «بحر الفارس» در نظر گرفتند. نقشه‌هایی از دریای فارس ترسیم کردند که نقشه‌ی این منطقه است و نیز در توصیف خود، شهرها و مناطق اطراف خلیج فارس را تا بخشی از دریای هند توصیف کردند، ویژگی‌های فرهنگی و زبانی و قومی و مذهبی مردمان



ترسیم نقشه بر اساس اطلاعات اصطخری، یوسف کمال، جلد سوم، ص ۱۷۴، سال ۵۶۹ ه. ق

منطقه را بیان کردند. به این ترتیب، می‌توان گفت که نخستین مرحله در مطالعات خلیج فارس، به عنوان یک منطقه‌ی واحد، در متون جغرافیایی تاریخ اسلام در قرون نخستین اسلامی، شکل گرفته است.

کتاب ماه: آیا می‌توان آگاهی‌های علمی مرتبط با مطالعات خلیج فارس را در ادامه‌ی این دوره‌ها نیز دید؟

**دکتر وثوقی:** بله. در کتب جغرافیای توصیفی چنین است. نقشه‌های ویژه‌ی خلیج فارس متعلق به جغرافی‌دانان مسلمان است و این نقشه‌ها، پیش از آن سابقه نداشته است. نام خلیج فارس در اشکال گوناگون آن در زبان‌های مختلف، از دوره‌های پیش از اسلام در متون تاریخی و جغرافیایی آمده است؛ اما نقشه‌های واحد به نام خلیج فارس در این دوره شکل می‌گیرد. یکی از اولین نقشه‌ها که در کتاب مسالک و ممالک اصطخری هست، عنوان «صورة البحر الفارس» را دارد. یعنی نقشه‌ای که یک منطقه‌ی واحد جغرافیایی را با ویژگی‌ها، مردم، شهرها، آبادی‌ها و راه‌ها و عوارض طبیعی و مناطق مختلف آن، توصیف می‌کند و نشان می‌دهد. این سنت در دیگر نقشه‌های جغرافی‌دانان مسلمان دنبال می‌شود. باید در نظر داشته باشیم که این نقشه‌ها با عنوان «صورة البحر الفارس» می‌خواهند نشان دهند این منطقه، یک منطقه واحد جغرافیایی و فرهنگی است. این منطقه تعریف دارد، دارای محدوده‌ی مشخص، زبان، مذهب و کالاهای کشاورزی و تجاری خاص است.

و اما شاید این پرسش مطرح شود که مهم‌ترین ویژگی مطالعات خلیج فارس در این دوره چیست؟ در پاسخ باید گفت: ۱. محدوده‌ی خلیج فارس

و منزلگاهها نام برده می‌شود و بسیاری اطلاعات اولیه در اختیار خواننده قرار می‌گیرد و حتی به مسافران توصیه می‌کنند که در تابستان یا زمستان به چه وسایلی در هر منطقه مجهز شوند و بسیاری ویژگی‌های طبیعی و انسانی و فرهنگی را توضیح می‌دهند.

یک وجه نگاه این جغرافی‌دانان مکان‌یابی است و وجه دیگر آن مردم‌شناسی و شناسایی فرهنگ مردم منطقه. با مطالعه‌ی این کتب می‌توان تصویری از شهرها و آبادی‌های این دوران به دست آورد و نیز به عادات و مذهب و ویژگی‌های فرهنگی مردم هر منطقه نیز - در آن دوران تاریخی - پی برد.

کتاب ماه: علاوه بر این که این کتب کاربردی است، با وسواس و دقتی علمی در ثبت و ضبط اسامی نیز همراه است و همان‌گونه که گفتید، ویژگی‌های منطقه‌ای را بیان می‌کند.

**دکتر وثوقی:** همین طور است. اما این که چرا برای نخستین بار جغرافی‌دانان مسلمان منطقه‌ی خلیج فارس را به صورت یک منطقه‌ی مجزا و یک منطقه‌ی واحد در نظر گرفتند؟ پاسخ این پرسش را در بیان رسای یکی از بزرگ‌ترین جغرافی‌دانان اسلامی، یعنی ابن حوقل می‌توان یافت. وی می‌گوید: پس از ذکر دیار عرب، ناحیه‌ای که شرح آن لازم است، دریای فارس است... که دیار عرب و دیگر بلاد اسلام به وسیله‌ی آن به یکدیگر متصل می‌شوند (البته ابن حوقل خود این مطالب را از پیشینیان گرفته است). به عبارت دیگر، او خلیج فارس را حلقه‌ی پیوند میان بلاد اسلامی می‌دانسته و به همین علت، مورد توجه قرار داده و آن را دارای وحدت جغرافیایی دانسته است. شاید این دوره را بتوان اولین دوره‌ی دانست که به طور خاص و متمرکز مورد مطالعه قرار گرفته است. دو ویژگی مهم این دوره، که آن را از دوران دیگر متمایز می‌کند، یکی

در «مطالعات خلیج فارس»  
اساس تحقیق بر این اصل  
استوار است که که منطقه‌ی  
خلیج فارس دارای وحدت  
فرهنگی و جغرافیایی مشخص  
است. یعنی وقتی از خلیج فارس  
نام می‌بریم، نقشه و منطقه‌ای در  
ذهن ما نقش می‌بندد



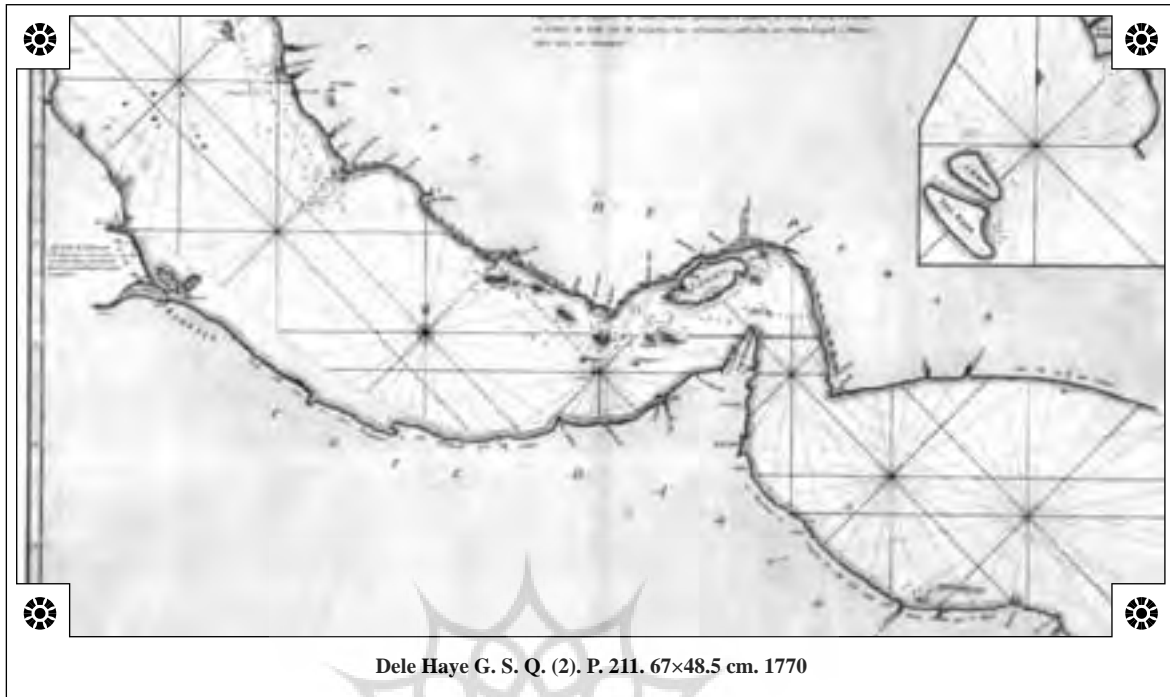
شامل خلیج فارس، دریای عمان، دریای سرخ و بخشی از دریای هند است. در همه‌ی نقشه‌های این دوره این محدوده به همین ترتیب مشخص شده است. یعنی محدوده‌ای که شمال آفریقا، عربستان، ایران و سواحل غربی هند را شامل می‌شود، به نام «بحرالفرس» و یا دریای پارس مشخص شده و در همه‌ی نقشه‌ها و متون جغرافیایی این دوره مورد اتفاق نظر بوده است.

**کتاب ماه:** به نظر می‌رسد، مهم‌ترین ویژگی این نقشه‌ها کاربردی بودن آن‌هاست. اطلاعات جغرافیایی و از جمله راه‌های دریایی را برای تسهیل بازرگانی و مبادله‌ی کالا نشان می‌دهد.

**دکتر وثوقی:** به نکته‌ی درستی اشاره کردید. کتب جغرافیایی این دوره هم شبیه به کتاب‌های راهنمای جاده‌های امروز هستند و نوعی راهنما برای مسافران و دریانوردان و تجار به شمار می‌روند. در این گونه کتب، از فواصل



Niebuhr C. S. Q.Q. p. 215.31x21 cm. Copenhagen, 1772



Dele Haye G. S. Q. (2). P. 211. 67x48.5 cm. 1770

خاصی به مسائل خلیج فارس شده است، یاد کنیم. در دوره‌ی صفوی، ما برای مدتی کوتاه، شاهد توجهی خاص به خلیج فارس هستیم. به علت گسترش روابط تجاری و دریایی، حل مسئله فارس و لارستان و بحرین و هرمز در این دوره شکل می‌گیرد و یک بار دیگر اهمیت منطقه و راه‌های دسترسی دریایی درک و شناسایی می‌شود. البته در این دوره، محصول نوشتاری معتابه‌ی به وجود نمی‌آید، اما دو اثر مهم و بارز در این دوره وجود دارد که می‌توان آن‌ها را در بررسی پیشینه‌ی مطالعات خلیج فارس، مورد توجه قرار داد. این دو کتاب «جرون‌نامه» و «جنگ‌نامه کشم» هستند.

«جرون‌نامه» و «جنگ‌نامه‌ی کشم» به نظم است. جرون، نام یک منطقه است که شامل هرمز و بندرعباس و میناب و دیگر بخش‌های ساحلی می‌شود. این کتاب در دوره‌ی شاه عباس و با سیاست و درایت امام قلی خان تصنیف می‌شود. این سیاست را نباید نادیده انگاشت. ما شواهدی داریم که نویسنده این کتاب را به تشویق امام قلی خان نوشته است. این دوره‌ای است که ما نگاهی دوباره به موقعیت‌مان در خلیج فارس داریم، در زمانی که استعمارگران به این منطقه راه پیدا کرده‌اند و حضور جدی دارند. برخی آثار و نوشته‌ها و نسخ خطی موجود که در دوره‌ی صفویه تولید شده، نشانه‌هایی هرچند اندک از توجه و گرایش پادشاهان و دولت‌مردان صفوی به نوعی از مطالعات خلیج فارس به شمار می‌رود. از آن جمله، استنساخ نسخه‌های خطی جغرافیایی نوشته‌شده در دیگری سرزمین‌های اسلامی است، که در این دوره، به وفور صورت گرفته است. یکی از این نمونه‌ها نسخه‌ای از کتاب ادربیسی، جغرافی‌دان معروف اسلامی قرن هفتم هجری است، که به دستور پادشاه صفوی استنساخ شده است. این کتاب در سال ۱۱۰۰ نوشته شده و دارای نقشه‌های بسیار است. درواقع، نوعی توجه صفویه به این حوزه از مطالعات را نشان می‌دهد.

گسترده بودن محدوده و وسعت خلیج فارس است که شبه‌جزیره عربستان و بخشی از ساحل هند و دریای سرخ هم در این محدوده قرار می‌گیرد. دومین ویژگی قرار گرفتن عمده‌ترین مراکز تجاری مسلمانان در این محدوده است. مانند بصره، سیراف، صحار، جدّه، بحرین، دیبل و... بنابراین عمده‌ی مبادلات تجاری دریایی دنیای اسلام در این منطقه انجام می‌گرفته است. البته تنها نقش اقتصادی منطقه نیست که اهمیت دارد، این ناحیه یکی از راه‌های دستیابی به مکه‌ی مکرمه است. راه‌های دستیابی هند و سومنات و فارس و بسیاری مناطق به مکه‌ی مکرمه از همین راه دریایی بوده است. مهم‌ترین دستاورد این مکتب جغرافیایی اسلامی، تولید نقشه‌ی واحد خلیج فارس و اطلاعات گران‌بهایی از بنادر و جزایر آن و فرهنگ و اقتصاد این ناحیه است. ما میراث عظیمی از نقشه‌های «بحر فارس» در دنیای اسلام داریم. نیز این مکتب برای اولین بار جغرافی‌دانان را متوجه ساخت که این منطقه دارای وحدت جغرافیایی و فرهنگی است. بسیار مهم است که بدانیم میراث فرهنگی ما در دوره‌ی اول و آغاز مطالعات مستقل خلیج فارس چیست.

**کتاب ماه:** دوره‌ی دوم مطالعات خلیج فارس چه زمانی را دربر می‌گیرد و چه ویژگی‌هایی دارد؟ به نظر می‌رسد در دوره‌ی دوم مطالعات خلیج فارس، تنها بومیان مسلمان ایرانی و عرب، نیستند که در مورد خلیج فارس مطالعه می‌کنند. بلکه غربیه‌هایی از آن سوی عالم وارد این منطقه شده‌اند و با اهداف و مطامع سیاسی و اقتصادی خاصی، به مطالعه این منطقه می‌پردازند. آیا می‌توان این دوره را، دوران مطالعات استعماری دانست؟

**دکتر وثوقی:** اجازه دهید پیش از پرداختن به عصر استعمار، و مشخص کردن نوع توجه بیگانگان به خلیج فارس، از منظر بومی، که طی آن، توجه



ترسیم نقشه بر اساس اطلاعات اصطخری، نسخه خطی ترجمه‌ی المسالك و الممالک، سده‌ی هفتم و هشتم هجری

فارس است. تمایزات قومی و زبانی در مطالعات خلیج فارس مربوط به دوره‌ی سوم است، در دوره‌ی بعدی این تمایزات تئوریزه می‌شوند و به قصد اجرای منویات سیاسی و اقتصادی بیگانگان، کتاب‌هایی درباره‌ی خلیج فارس نوشته می‌شود، که متأسفانه این امر ابعاد جدیدی به خود گرفته است. در دوره‌ی سوم کمپانی هند شرقی در هند مستقر شده است و خلیج فارس که بازاری تجارت هند است، و تمدن‌های مهم بین‌النهرین و ایران و هند را به هم متصل می‌کند، اهمیت بیشتر می‌یابد و کمپانی هند شرقی انگلیس، برای نخستین بار، نوعی از اکتشافات را تعریف می‌کند که ویژه‌ی خلیج فارس است. در سال ۱۷۸۵ یک افسر نیروی دریایی به نام مک کلور، که افسر کمپانی هند شرقی است، مأموریت می‌یابد که یک نقشه‌ی دقیق و با جزئیات کامل از بنادر و مناطق و سواحل خلیج فارس تهیه کند. این نوع نقشه‌ها از نقشه‌های نیپور و نقشه‌های دوره‌ی اسلامی متمایزند و مقاصد نظامی و سیاسی را دنبال می‌کنند. در ۱۷۸۶ نقشه‌ی دال ریمر را و در ۱۸۰۹ نقشه‌ی وین رایت تهیه می‌شود و در همین سال‌ها ۵ فروند کشتی بزرگ برای مساحی خلیج فارس اعزام می‌شوند و برای تهیه‌ی نقشه‌ی منطقه‌ی خلیج فارس، در اختیار وین رایت قرار می‌گیرد.

سال‌های ۱۸۲۱ تا ۱۸۲۹ مهم‌ترین مأموریت اکتشافی انگلیسی‌ها انجام می‌گیرد و سه افسر هیدروگراف انگلیسی - بروکس، کوگان و گای - مأمور انجام اکتشافات خلیج فارس می‌شوند. این مأموریت ۹ سال به طول می‌انجامد و نقشه‌های بعدی مانند نقشه‌ی لوریمر هم، از نتایج کار آنان بسیار استفاده می‌کنند. این نقشه‌ها با اهداف نظامی، تنظیم شده و موقعیت همه‌ی آبادی‌ها و شهرها را دربردارد.

مطالعات دوره‌ی سوم را که با نقشه‌نگاری آغاز شده است، با توجه

نمونه‌ی دیگر یک سینی کنده‌کاری شده است که اکنون در وینز است و به دستور شاه عباس نقشه‌ی کره‌ی زمین و محدوده‌ی خلیج فارس بر آن نقر شده است. مشخص است که هنرمند سازنده‌ی این سینی، منبعی برای نقشه‌اش داشته است و نیز اهمیت این منطقه در نظر حکومت صفوی را نشان می‌دهد.

از مشخصات مهم این دوره، که کمی با اغماض می‌توان از آن به عنوان دوره‌ی دوم یاد کرد، این است که نگاه ما هنوز بومی است و این آخرین دوره با نگاه بومی است.

به نظر می‌رسد آغاز دوره‌ی سوم را باید با پایان گرفتن حاکمیت صفویان مصادف دانست که منطبق با قرن ۱۸ میلادی است و می‌دانیم که از قرن ۱۶ میلادی به بعد، پرتغالی‌ها، سپس هلندی‌ها و انگلیسی‌ها به این منطقه وارد می‌شوند. شباهت دوره‌ی سوم و اول در آغاز آن است. یعنی دوره‌ی اول با نقشه‌های جغرافیایی شروع شد و دوره‌ی سوم با مطالعات مستقل خلیج فارس و رسم نقشه‌های این منطقه آغاز شد. اولین نقشه‌های تخصصی خلیج فارس بنا به سنت اروپایی رسم می‌شوند. در سال ۱۷۶۴ اولین نقشه‌ی خلیج فارس به وسیله‌ی یک نقشه‌بردار اروپایی رسم شده است. به نظر می‌رسد این منطقه برای ساکنان غیربومی این حس را ایجاد می‌کند که یک وحدت جغرافیایی و فرهنگی دارد و به همین علت، توجه اروپاییان به آن جلب می‌شود.

یکی از نقشه‌های مهم این دوره، نقشه‌ی نیپور دانمارکی است به نام *sinus persicus*. این نقشه در نوع خود جالب‌ترین است و نام خود را از نام یونانی خلیج فارس گرفته است. این نقشه‌ها مبتنی بر اکتشاف هستند. مهم‌ترین ویژگی این دوره این است که مطالعات دیگر نگاه درونی ندارند. در دوره‌ی اول و دوم کاربرد مطالعات و نگاه حاکم بر آن‌ها درونی است و معطوف به کارکردهای اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام است. اما از دوره‌ی سوم، نقشه‌ها و مطالعات کاربرد بیرونی دارند و مطامع اقتصادی و سیاسی بیگانگان را دنبال می‌کنند.

در دوره‌ی اول و دوم، خلیج فارس به عنوان یک واحد فرهنگی در نظر گرفته می‌شد، اما در دوره‌ی سوم، برای اولین بار، و به قصد ایجاد تفرقه و جدایی بین مسلمانان، تمایزات فرهنگی پررنگ نشان داده می‌شود و در نوشته‌های این دوره، خلیج فارس، به تدریج، به دو ساحل عربی و ساحل فارسی تقسیم می‌شود.

**کتاب ماه:** به نکته‌ی دقیقی اشاره کردید که سیطره‌ی نگاه اسلامی فرامنطقه‌ای را در دوره‌ی اول و دوم مطالعات خلیج فارس نشان می‌داد. اما در دوره‌های اخیر، و بعد از حضور نیروهای استعماری، نگاهی مبتنی بر ایجاد شکاف و دشمنی بین ساکنان منطقه، براساس مختصات فرهنگی، ایجاد کردند. این نگاه با گسست از مطالعات بومی دوره‌های اول و دوم، پدید آمد و بر روابط و مناسبات منطقه‌ای نیز اثر گذاشت.

**دکتر وثوقی:** دریافت درستی است و بهتر است بگوییم کسی که از خارج آمده است، این تمایزات را بزرگ‌نمایی می‌کند تا بتواند در منطقه رخنه کند. برخی این نظر را قبول ندارند ولی به نظر من تنها راه ماندن این بیگانگان ایجاد شکاف بوده است. این یکی از محورهای آسیب‌شناسی مطالعات خلیج



## خلیج فارس

مهم‌ترین دستاورد مکتب جغرافیایی اسلامی، تولید نقشه‌ی واحد خلیج فارس و اطلاعات گران‌بهایی از بنادر و جزایر آن و فرهنگ و اقتصاد این ناحیه است. ما میراث عظیمی از نقشه‌های «بحر فارس» در دنیای اسلام داریم

که در بخش عمده‌ی آن‌ها، مسلمانان نقش عمده‌ای داشتند. مهم‌تر از همه این که دو مرکز مهم اسلامی - یعنی مکه و مدینه - در پس کرانه‌های خلیج فارس قرار داشتند و برای کمپانی مهم بود که بتواند وقایع این منطقه را رصد کند.

در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم میلادی، کارکرد کمپانی هند شرقی کاملاً نظامی و سیاسی است. ارتش دارد و وارد جنگ می‌شود، حتی قدرت کارگزار کمپانی در هند از دیپلمات‌ها و سیاستمداران داخل انگلستان بیشتر می‌شود. فرستاده‌های انگلستان، گاه با سفیر و کارگزار کمپانی هم اختلاف پیدا می‌کنند. کمپانی این حوزه را مختص خود می‌داند. این دوره، بیشترین تأثیر را بر مطالعات امروزی ما هم گذاشته است. یکی از دستاوردهای مهم این دوره کتاب مهم سالنامه‌ها، نماینده‌ی کمپانی هند شرقی است که مأموریت دارد اسناد و مدارک خلیج فارس را در کلکته و بمبئی گردآوری و فهرست‌بندی کند و چکیده‌ی رویدادهای خلیج فارس را تدوین کند. این کتاب در چند مجلد تهیه شد. آغاز آن از سال ۱۶۲۲ است که کمپانی دفتر خود را در هند تأسیس می‌کند تا ۱۸۹۰ را دربردارد و از مهم‌ترین کتاب‌هایی است که با دیدگاه کمپانی هند شرقی نوشته شده است.

یک بومی خلیج فارس خود را محق می‌داند که تاریخ منطقه را بنویسد، اما یک بیگانه برای تدوین تاریخ و جغرافیای منطقه و حضور خود چه توجیهی دارد؟ او می‌تواند در هر موردی بنویسد، اما باید دید و نگاه کرد که براساس چه نگاهی این نوشته‌ها منتشر می‌شود. کمپانی هند شرقی برای تاریخ‌نگاری خود هم دیپلماسی دارد. جایی که سؤال از چرایی حضور انگلیسی‌ها در ذهن خواننده پیدا می‌شود، دست به پنهان‌کاری می‌زند و برای مشروعیت بخشیدن به حضور خود، برخی از رویدادهای مهم تاریخی را دگرگون نشان می‌دهد. در جایی که ممکن است انگلستان زیر سؤال برود، به اختفای تاریخی دست می‌زند. به عنوان مثال در حمله ۱۸۱۹ و ۱۸۲۰ به خلیج فارس، بسیاری از مردم کشته شدند، بنادر ایران و سواحل دیگر نابود شدند و علت این حمله را هم مبارزه با دزدی دریایی می‌خوانند.

**کتاب ماه:** با توجه به مفهوم مکتب تاریخ‌نگاری هند شرقی، منظور از دزدی دریایی که در این اسناد و مدارک ثبت شده، چیست؟

**دکتر وثوقی:** بسیاری از اهالی منطقه کشتی داشتند و تجارت می‌کردند. تا قبل از ورود انگلیسی‌ها، دو منطقه‌ی تردد کالا در خلیج فارس وجود داشت: از بندر عباس و بندر بوشهر به بصره و شارجه و بحرین و مسقط، حتی شرق

به ویژگی‌ها خاص و دستاوردهای آن، می‌توان برگرفته از یک مکتب استعماری شناخته‌شده، به نام مکتب مطالعات کمپانی هند شرقی دانست. تا اوایل قرن بیستم این نگاه و مکتب ادامه دارد.

تا سال ۱۸۲۰، کمپانی هند شرقی کارکرد اقتصادی دارد و از رویکرد نظامی و سیاسی هم خالی نیست؛ اما از سال ۱۸۲۰ نگاهی کاملاً نظامی و سیاسی پیدا می‌کند و برای اولین بار صاحب ناوگان نظامی می‌شود.

**کتاب ماه:** یعنی از زمانی که اصطلاحاً بازی بزرگ آغاز می‌شود.

**دکتر وثوقی:** همین طور است. برای اولین بار عملیات نظامی در حوزه‌ی خلیج فارس به کمپانی هند شرقی واگذار می‌شود. در همین سال ۱۸۲۰ است که پروژه و تهاجم گسترده‌ای در این منطقه با عنوان «مبارزه با دزدی دریایی» شکل می‌گیرد. کاپیتان بروس تئوریسین و مجری بزرگ این تهاجم است. باید توجه داشت که مطالعات خلیج فارس، به تدریج به حوزه‌های دیگر آن، یعنی فرهنگ و اقتصاد گسترش می‌یابد.

**کتاب ماه:** ظاهراً کمپانی هند شرقی به خلیج فارس اکتفا نمی‌کند، وارد خشکی‌های اطراف نیز می‌شود و به عملیات جاسوسی و اکتشافی و تربیت افراد می‌پردازد. به علت رقابت با روس‌ها، تا اعماق سرزمین‌های ایران و آسیای میانه، پیش می‌روند؛ چرا که این حوزه‌ها را حاشیه‌ی امنیت هند می‌دانند.

**دکتر وثوقی:** بله. حتی هرات را هم به حوزه‌ی خلیج فارس مربوط می‌کنند. این دوره را می‌توان دوره‌ی ویژه‌ای در مطالعات خلیج فارس دانست. اولین دلیل آن این است که تهیه مهم‌ترین نقشه‌ها و مطالعات در همین دوره صورت گرفت. دوم این که انگلیسی‌ها قبلاً از دور به این منطقه می‌نگریستند؛ ولی در این زمان نماینده‌ی دائمی در بوشهر و بمبئی و شارجه و دیگر نقاط دارند. این نماینده‌ی دائمی، به تدریج دارای یک نگاه تاریخی و فرهنگی می‌شود و برای حفظ موقعیت سیاسی خود و کمپانی هند شرقی، رویدادها و گزارش‌ها را ثبت می‌کنند.

در مقطعی که منافع کمپانی هند شرقی فقط در ساحل تعریف نمی‌شود و عمق برخی از کرانه‌ها را هم دربرمی‌گیرد، متوجه شدند که حفظ خلیج فارس برای حفظ هند اهمیت فراوان دارد. به این علت که مسلمانان در هند از تحرک و جنب و جوش ویژه‌ای برخوردار بودند و می‌توانستند برای انگلستان مخاطره ایجاد کنند. قیام‌های بزرگ و متعددی در هند اتفاق افتاد

**کمپانی هند شرقی حوزه‌ی منطقه‌ای خلیج فارس را از دست اهالی خارج کرد و ایشان فقط می‌توانستند در مناطق محلی خود تجارت کنند. از سال ۱۸۲۰ به بعد، به نام مبارزه با دزدی دریایی، همین حوزه‌ی تجارت محلی را هم از دست مردم منطقه خارج کردند**

هند شرقی انگلستان است و انعکاس این مطامع را در اسناد و مدارک آن نیز، می‌توان دید. یک محقق باید هشیار باشد و بتواند واقعیت‌ها را در این اسناد از مطامع انگلیسی جدا کند، که این کاری دشوار، اما شدنی است. اما برگردیم به وقایع سال ۱۸۲۰. پس از حمله به این بندر، در هر بندری نماینده مقیم تعیین می‌کنند و نام ساحل را نیز تغییر می‌دهند. در آن دوران ایران درگیر جنگ با روس هم بود و جنگ‌های ایران و روس کل مسائل خلیج فارس را به حاشیه راند و از آن غفلت شد. انگلیسی‌ها در ماده‌ی ۳ قراردادی، که به آن قرارداد سواحل متصالح نام داده بودند و به امضای شیوخ محلی رسانده بودند، با سیاست و اهدافی خاص چنین گنجانده‌اند که: برای متمایز شدن کشتی‌های تجار منطقه از کشتی‌های دزدان دریایی، پرچمی بر روی کشتی‌ها نصب شود. این امر در راستای تحقق اهداف سیاسی انگلستان در خلیج فارس صورت پذیرفت و هویت نوساخته به قبایل می‌داد که اثرات آن بعدها در منطقه نمایان گردید.

کتاب ماه: شواهد تاریخی و منابع باقی‌مانده چه تصویری از این وضعیت

آفریقا و زنگبار و هند و دیگری حوزه‌ی محلی. کمپانی هند شرقی حوزه‌ی منطقه‌ای خلیج فارس را از دست اهالی خارج کرد و ایشان فقط می‌توانستند در مناطق محلی خود تجارت کنند. از سال ۱۸۲۰ به بعد است، که به نام مبارزه با دزدی دریایی، همین حوزه‌ی تجارت محلی را هم از دست مردم منطقه خارج کردند. یعنی به کشتی‌های محلی، به بهانه‌ی مبارزه با دزد دریایی حمله می‌کنند و اجازه‌ی تجارت به ایشان نمی‌دهند. در این دوره یک مفهوم‌سازی آلوده به نگاه استعماری در مطالعات خلیج فارس راه یافته است. البته این به معنای این نیست که هیچ‌گونه دزدی دریایی در منطقه صورت نمی‌پذیرفته است، بلکه باید گفت که از دیرباز در دریاها دزدان دریایی بوده‌اند؛ اما همه‌ی کشتی‌ها و دریانوردان خلیج فارس در آن دوره، شامل معنای دزدی دریایی نمی‌شدند. باید در مطالعات خلیج فارس در قرون ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ به مطالعات و نوشته‌های انگلیسی با دقت و وسواس خاصی نگاه کنیم و چنانچه نظری نقادانه به آن‌ها نداشته باشیم، مفاهیم و اغراض آن، می‌تواند مایه‌ی گمراهی محقق را فراهم آورد. خلاصه این که تاریخ نوین این دوره، آلوده به مطامع کمپانی



Niebuhr C. S. Q.Q. p. 214.21x31 cm. Copenhagen, 1772

## خلیج فارس

در ادامه جریانی که تولد آن با مکتب کمپانی هند شرقی آغاز شده است، جریانی جدید تولید شده که می‌خواهد نام خلیج فارس را تغییر دهد و بخشی از میراث جغرافیایی بشر را نادیده بگیرد

جدید ارائه می‌دهند؟

**دکتر وثوقی:** در دوره‌ی مکتب کمپانی هند شرقی چند اثر مهم وجود دارد که باید بررسی شوند. پشت این آثار ذهنیت کاملاً سیاسی و استعماری نویسندگان آن‌هاست که باید شناسایی شود و پس از زدودن این نگاه، مورد استفاده قرار گیرند.

از جمله این نویسندگان مهم می‌توان سالدانها، لوریمر، مایلز و ویلسون را نام برد. لوریمر چندین سال تحقیق میدانی می‌کند و کتابی به نام راهنمای خلیج فارس می‌نویسد. چند بخش این کتاب تاریخی و چند بخش جغرافیایی است، ولی متأثر از نگاه روزگار خود است. مایلز، افسری است نظامی و متخصص جنوب خلیج فارس. وی کتابی به نام «ممالک و قبایل خلیج فارس» دارد و کتاب او با همان دیدگاه استعماری و بیرونی نوشته شده است. کتاب‌های مایلز، سالدانها و لوریمر هر سه «خلیج فارس» Persian Gulf نام دارند. مایلز مورخ نظامی و سیاسی است. بعد ویلسون است که کتاب او از لحاظ بررسی دیدگاه کمپانی هند شرقی در موضوع خلیج فارس اهمیت بسیاری دارد.

این دیدگاه، به طور خلاصه، در بردارنده‌ی همه‌ی اهداف و اغراض سیاسی و نظامی کمپانی هند شرقی انگلستان در خلیج فارس است و در استفاده و بهره‌گیری از آن باید به این وجه توجه ویژه‌ی نشان داد.

**کتاب ماه:** یعنی پایه‌های اولیه انشقاق در خلیج فارس را این‌گونه مطالعات گذاشته‌اند.

**دکتر وثوقی:** بله. مهم‌ترین ویژگی مطالعات دوره‌ی سوم را می‌توان این موارد دانست: ۱. نگاه بیرونی دارد؛ ۲. آلوده به مطامع استعماری است؛ ۳. با اکتشافات نظامی شروع شده و بعد نگاه فرهنگی و سیاسی در آن وارد شده است؛ ۴. انشقاق در منطقه را اصل دانسته و اطلاعات و تحلیل‌ها را بر اساس آن دنبال می‌کند.

البته این را هم نباید نادیده گرفت که در این دوره - قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی - ما به دلیل فقر منابع و مراجع داخلی، نیاز شدید به بهره‌گیری از کتب و اسناد انگلیسی داریم که اتفاقاً در صورت بهره‌گیری درست و نقادانه از آن‌ها می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد و اهمیت بسیاری نیز دارد و نمی‌توان از آن‌ها چشم‌پوشی کرد؛ اما تکرار می‌کنم بهره‌گیری از آن‌ها باید با دید نقادانه و با نیم‌نگاهی به موقعیت سیاسی انگلستان در منطقه همراه باشد. اجازه بدهید با توجه به کمبود زمان، اشاره‌ای گذرا به دوره‌ی چهارم داشته باشیم.

اصلاحات امیرکبیر در دوره‌ی قاجار، بر مطالعات داخلی خلیج فارس تأثیر فراوانی داشت. معرفی این تأثیرات نیاز به مجال بیشتری دارد که انشاءالله در آینده به آن پرداخته خواهد شد. در این دوره یک مورخ بزرگ داریم به نام میرزا حسن حسینی فسایی که «فارسنامه» را نوشته است. فارسنامه آخرین میراث ماست که تقریباً منطبق با الگوی سنت تاریخ و جغرافیای بومی خلیج فارس نوشته شده است. یکی از اولین نقشه‌های خلیج فارس را وی ترسیم کرده است. تاریخ این منطقه را از قبل از اسلام تا ۱۳۱۰ قمری نگاشته است. و نشان می‌دهد که وی اهمیت منطقه را درک کرده است. این کتاب حلقه‌ی واسط ما با دوره‌ی قدیم است.

دیگر از نویسندگان بومی این دوره سدیدالسلطنه کبابی است. وی چون کارگزار سیاسی است، سبک و شیوه‌ی نگارشش تحت تأثیر سبک کمپانی هند شرقی است. ولی با نگاه بومی. وی یک الگو برای ما باقی گذاشته است. ظاهراً کمیود وقت، مجال ادامه‌ی بحث را از ما گرفته و من امیدوارم بتوانم در فرصتی دیگر این موضوع مهم را دنبال کنیم، اما در این جا باید گفت خلیج فارس و فرهنگ آن جزئی از میراث ایران است و نه جدای از آن. ما باید از این میراث حفاظت کنیم. مهم‌ترین آن هم اسم خلیج فارس است. نام خلیج فارس میراث جغرافیایی بشر است و باید برای حفظ آن کوشید.

به نظر من در ادامه جریانی که تولد آن با مکتب کمپانی هند شرقی آغاز شده است، جریانی جدید تولید شده که می‌خواهد این نام را تغییر دهد و بخشی از میراث جغرافیایی بشر را نادیده بگیرد. این امر در حالی است که نه تنها در منابع ما که در همه‌ی منابع بین‌المللی تاریخی و جغرافیایی نام این آبراه خلیج فارس است.

به نظر می‌رسد زمان اجازه ادامه بحث مربوط به قرن بیستم میلادی و دستاوردهای آن در مطالعات خلیج فارس را به ما نمی‌دهد و این موضوع مهم را به جلسه‌ی دیگر موکول می‌کنیم. لازم می‌دانم این را بیفزایم که این بحث به طور ناقص انجام شد و نمی‌تواند در بردارنده‌ی یک گفت‌وگوی منسجم و کامل باشد و از طرف دیگر، این مسائل در واقع مقدمات طرح یک مسئله است و به عبارت دیگر، طرحی مقدماتی برای مطالعه‌ی یک موضوع مستقل است و نیاز به بررسی و تعمق بیشتری دارد، که امیدوارم در آینده آن را به انجام رسانیم. با این همه موضوعی مهم و درخور توجه است و در پایان باز هم از شما و دست‌اندرکاران نشریه تشکر می‌کنم و آرزوی توفیق شما را دارم.

**کتاب ماه:** با تشکر از دکتر وثوقی که وقت خود را در اختیار ما نهادند.